

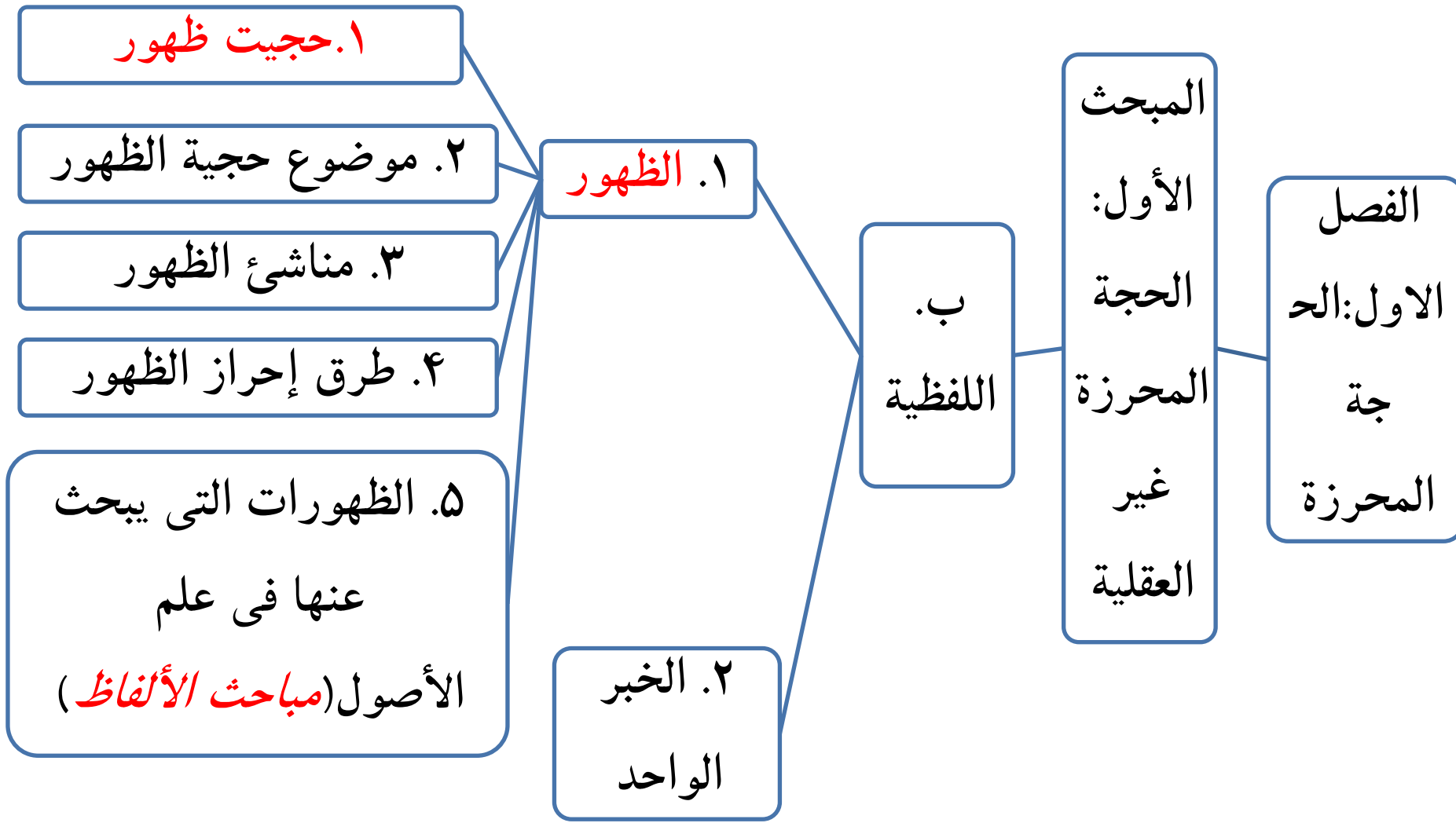
# علم أصول الفقه

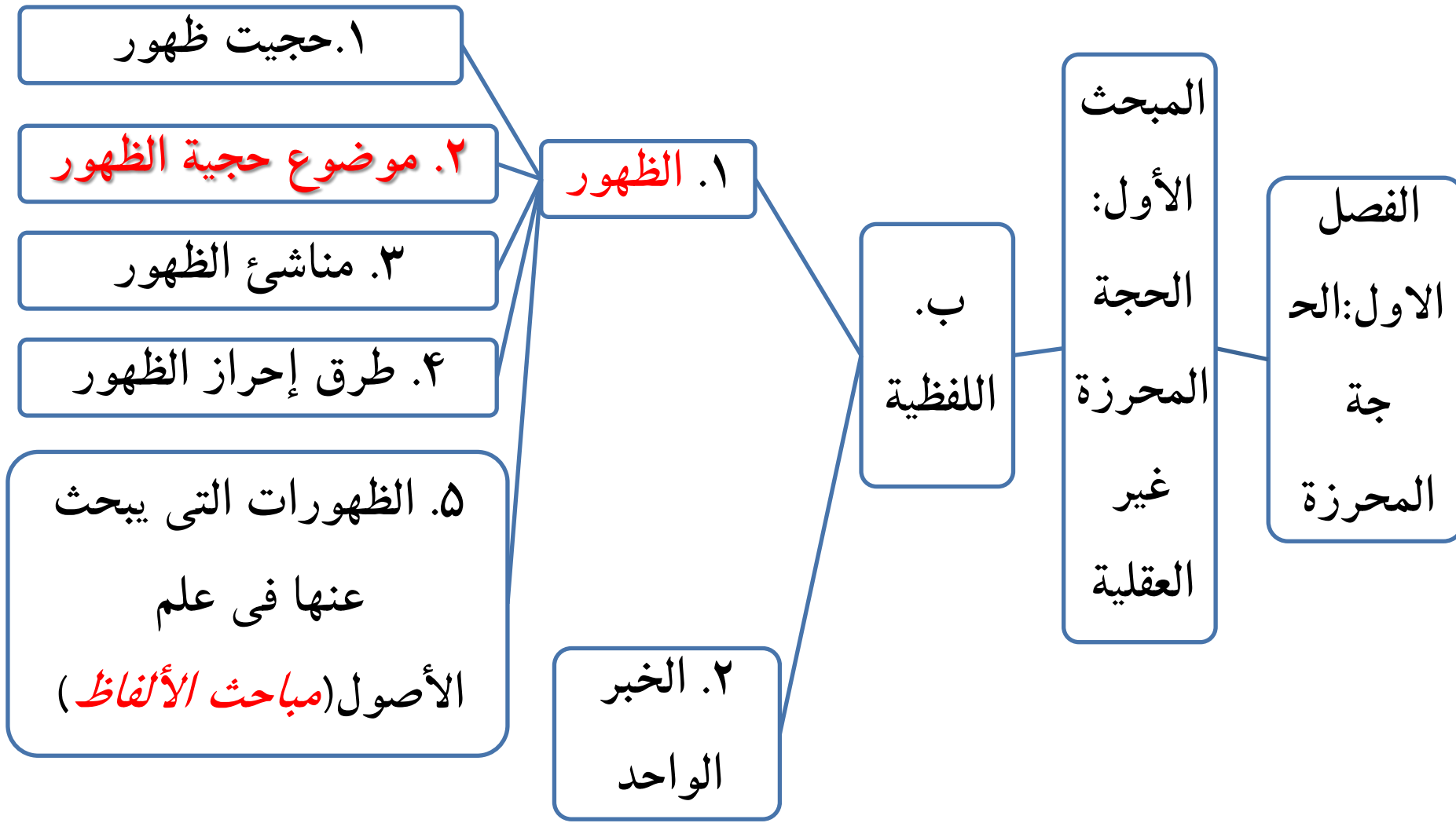
٤٤

٩٣-١١-٤ ظهور

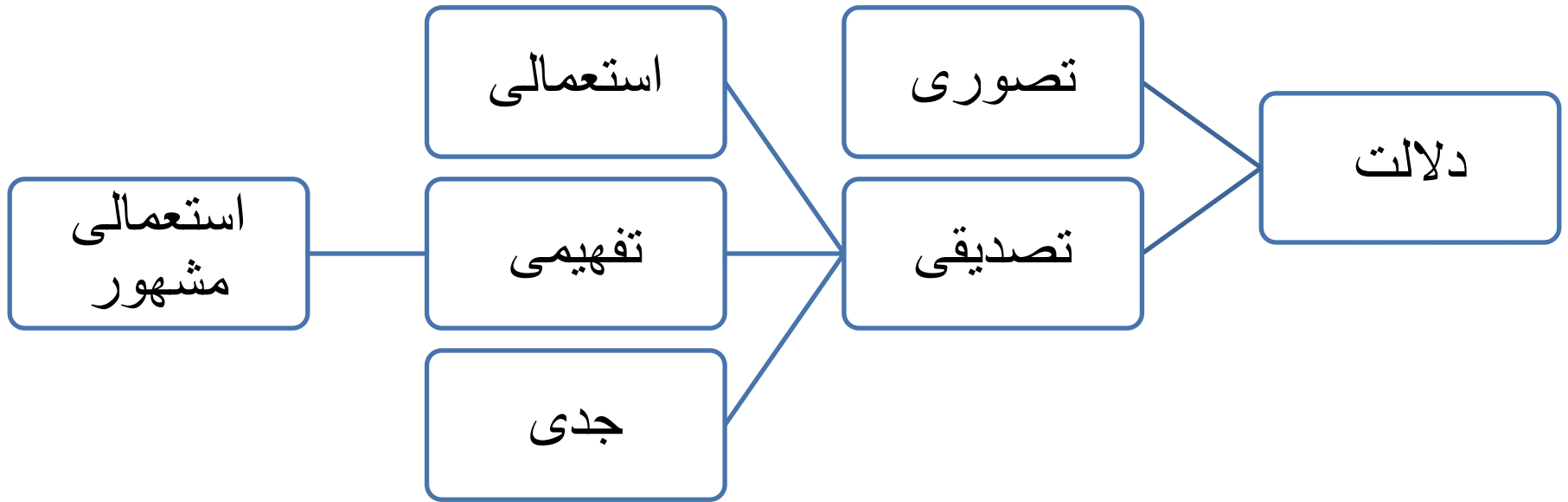
دراسات الأستاذ:  
مهدي الهادي الطهراني

• وَ جَحَدُوا بِهَا وَ اسْتَيْقَنَتْهَا أَنفُسُهُمْ ظُلْمًا وَ عُتُوًّا فَانظُرْ  
كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ (١٤)

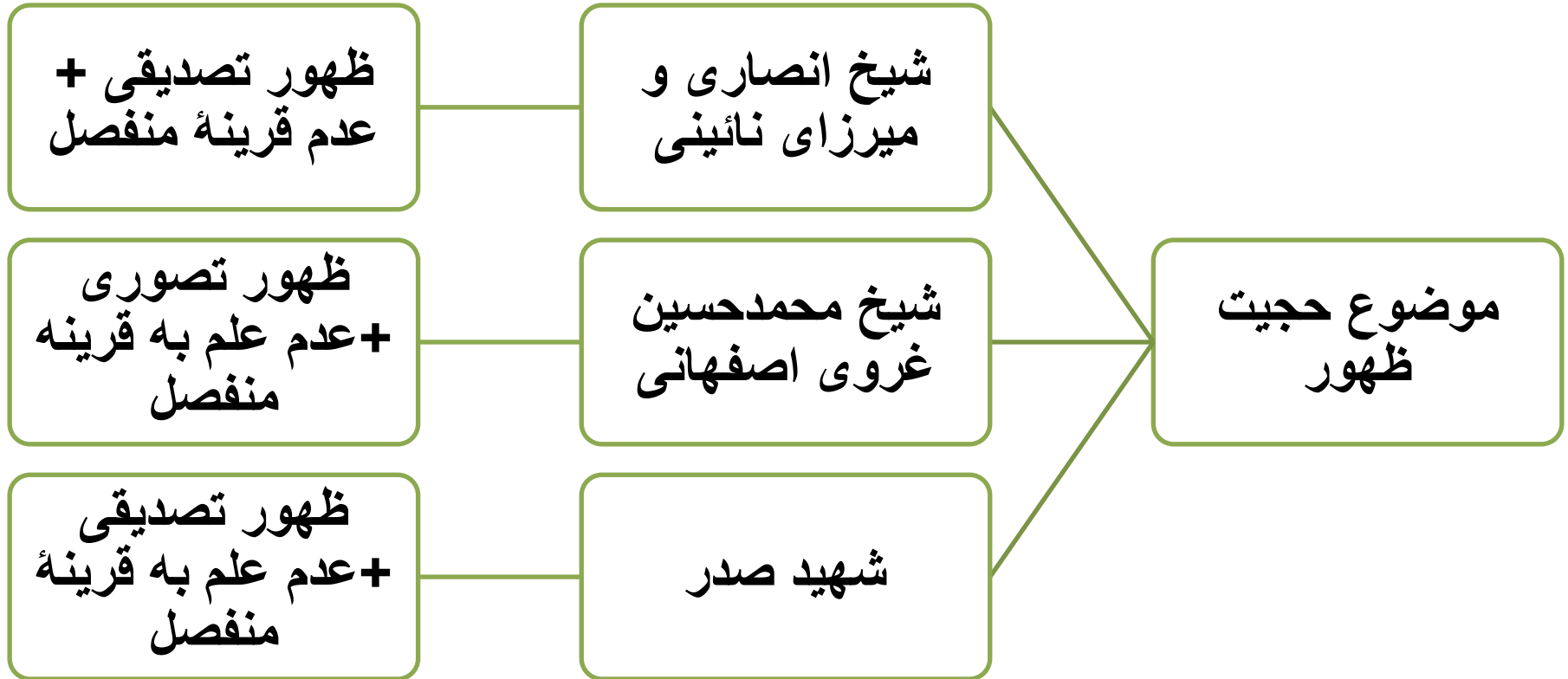




# تقسيم شهيد صدر



# دیدگاه‌های مختلف در موضوع حجیت ظهور



## اصل عدم قرینه

- اصل عدم قرینه
- اصولی‌ها به سادگی از این بحث رد شده و گفته‌اند هر وقت در وجود قرینه شک کردید، اصل عدم قرینه است.
- شهید صدر رضوان الله علیه می‌گوید این اصل عدم قرینه یعنی چی؟ و از کجا آمده است؟

متصل

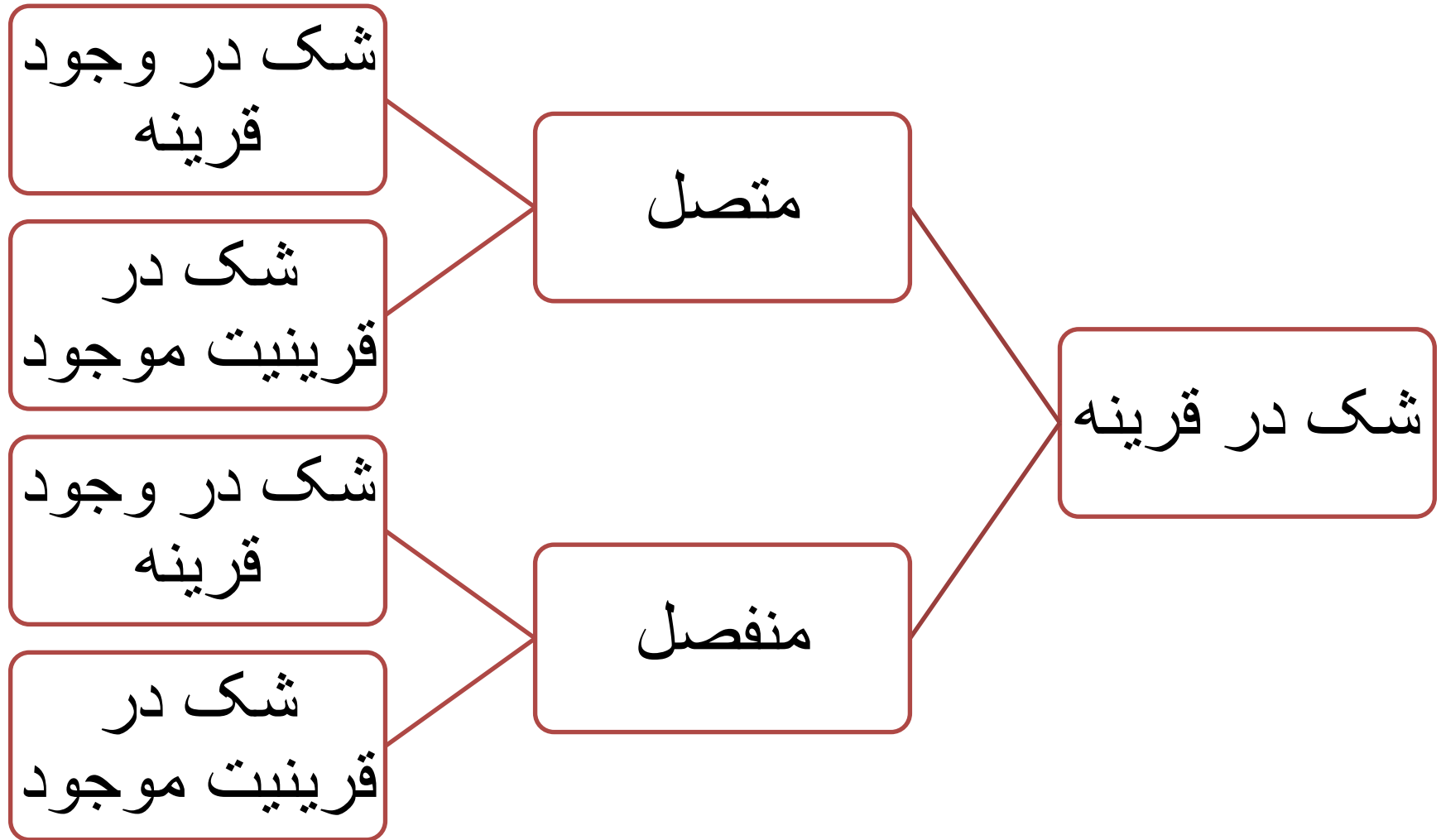
منفصل

شک در قرینه



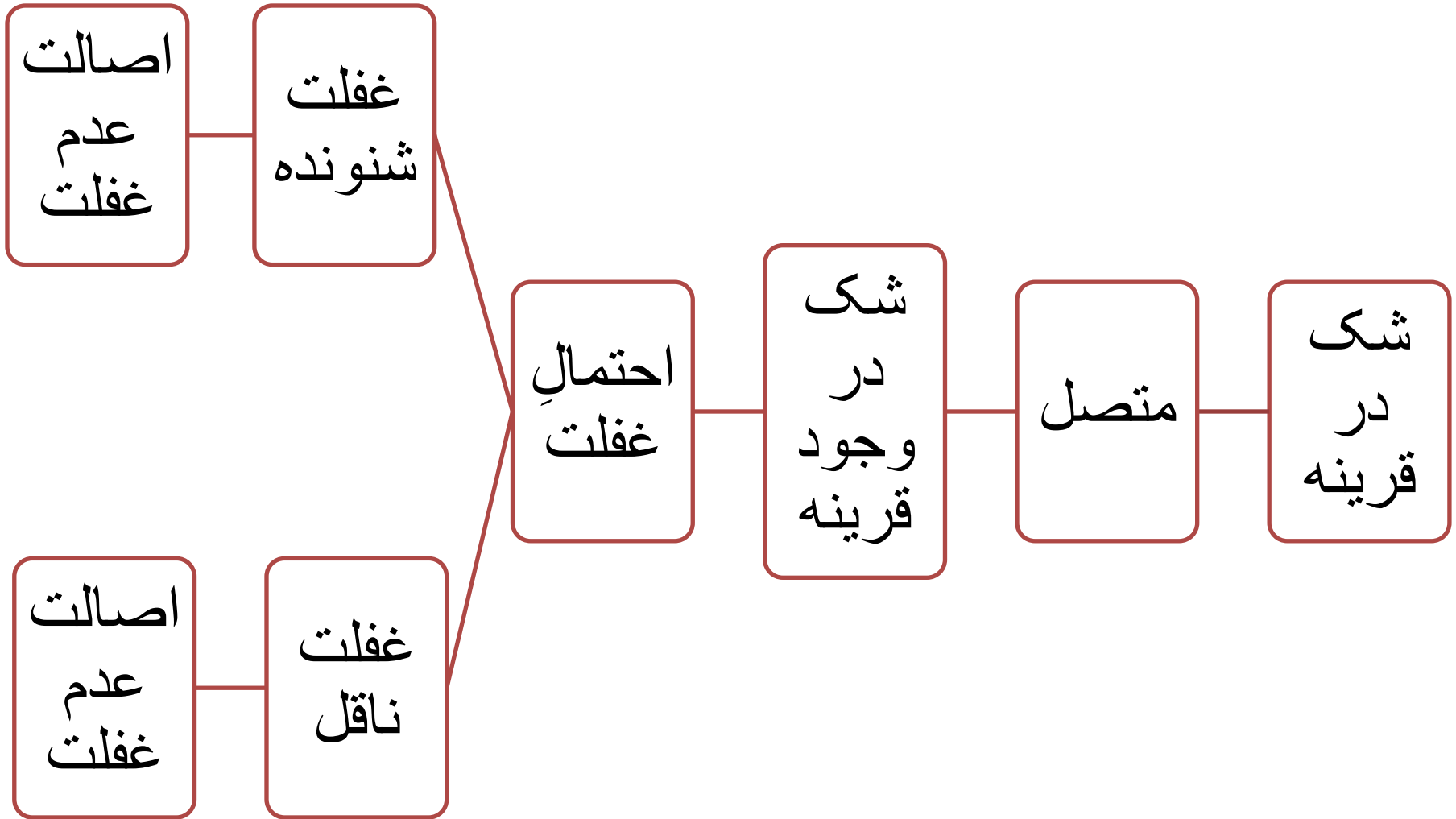
## اصل عدم قرينه

- احتمال قرينه، گاهی در قرينه منفصل است و زمانی در قرينه متصل. احتمال قرينه متصل خود دو حالت دارد:



## اصل عدم قرینه

- گاهی در وجود قرینه متصل شک دارم و گاهی در قرینیت موجود شک دارم؛ یعنی در عبارت متکلم چیزی می بینم که احتمال می دهم قرینه باشد.
- اصولی ها گفته اند در هر دو جا اصل عدم قرینه است؛



## اصل عدم قرینه

- اما شهید صدر رضوان الله علیه می فرماید منشأ شک در قرینه متصل، دو چیز می تواند باشد:
- گاهی منشأ شک احتمال غفلت است که این خود دو صورت دارد: یکی غفلت خود شنونده و دیگری غفلت ناقل.

## اصل عدم قرینه

- در صورت اول احتمال می‌دهم قرینه را نشنیده‌ام و در صورت دوم احتمال می‌دهم که ناقل به سبب غفلت قرینه را نشنیده است یا از روی غفلت مطلب را کامل نقل نکرده است.
- در هر دو صورت، اصل عقلایی عدم غفلت جاری است؛ البته ایشان بر این ادعا هیچ برهانی اقامه نمی‌کنند؛ چون مدعی‌اند که این اصل یک اصل عقلایی است و وجدان عقلایی بر آن گواه است.

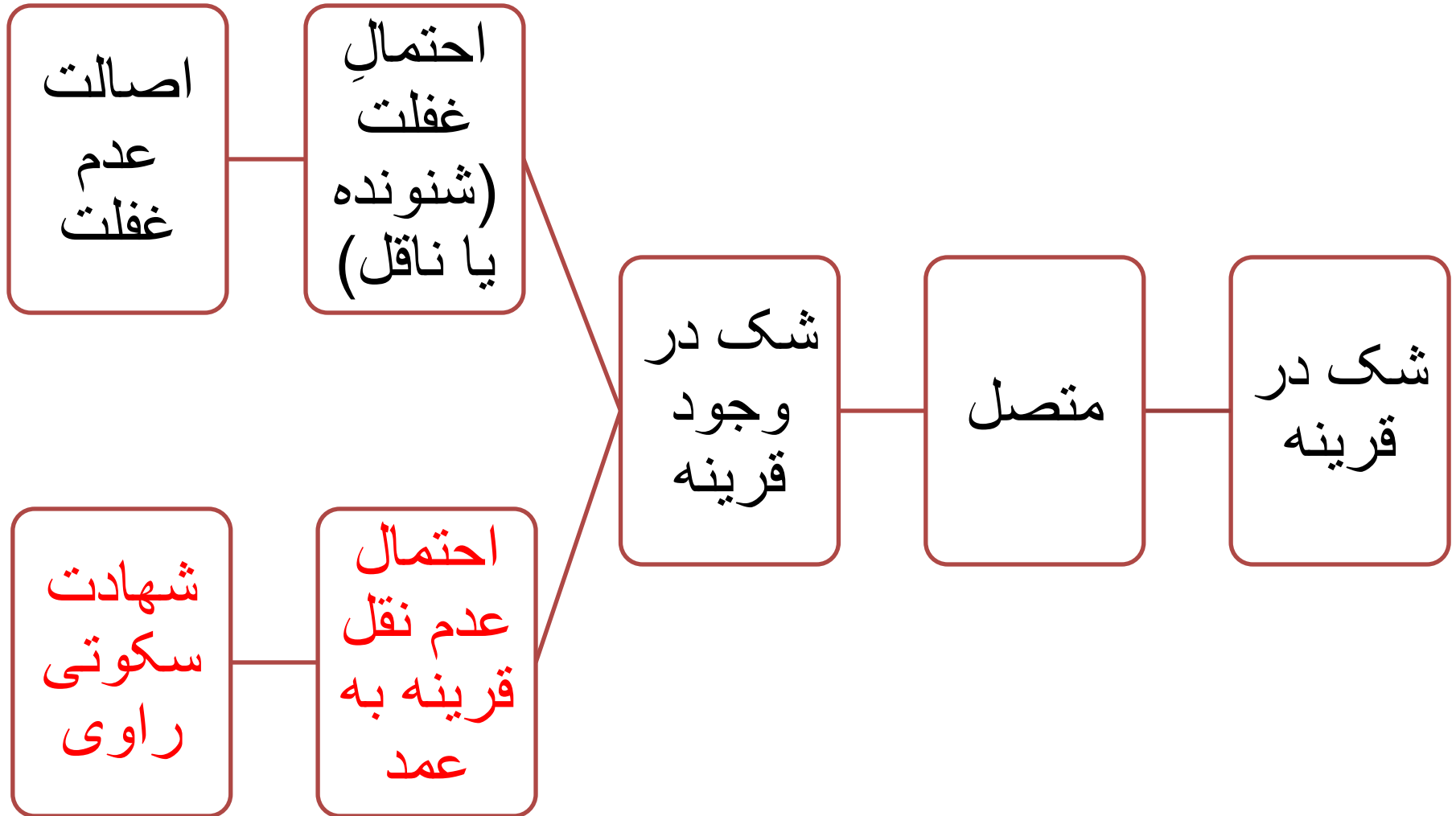
## اصل عدم قرینه

- أصالة عدم الغفلة یعنی عقلا می گویند وقتی من به مطلبی گوش می دادم، به آن توجه هم داشته‌ام. بنابراین اشتباهی نکرده‌ام و اصولاً اگر عقلا دائم احتمال می دادند که شاید الآن در حال خطا هستم، نمی توانستند در زندگی شان کاری انجام دهند.

## اصل عدم قرینه

- احياناً برای بعضی‌ها که گرفتار وسواس هستند، همین حالت پیدا می‌شود. وسواس یک بیماری روانی است که اشکال مختلفی دارد و فقط در طهارت و نجاست نیست.
- ممکن است وسواس در ناحیه فهم کلام هم پیش بیاید و من هر چه می‌شنوم، بگویم نکند که مقصود متکلم این نباشد و شاید چیزی گفته است که من نشنیده‌ام. واضح است که اگر عقلاً یک چنین حالت‌هایی را داشتند، نمی‌توانستند اقدامی کنند و به حرف‌ها ترتیب اثر دهند.



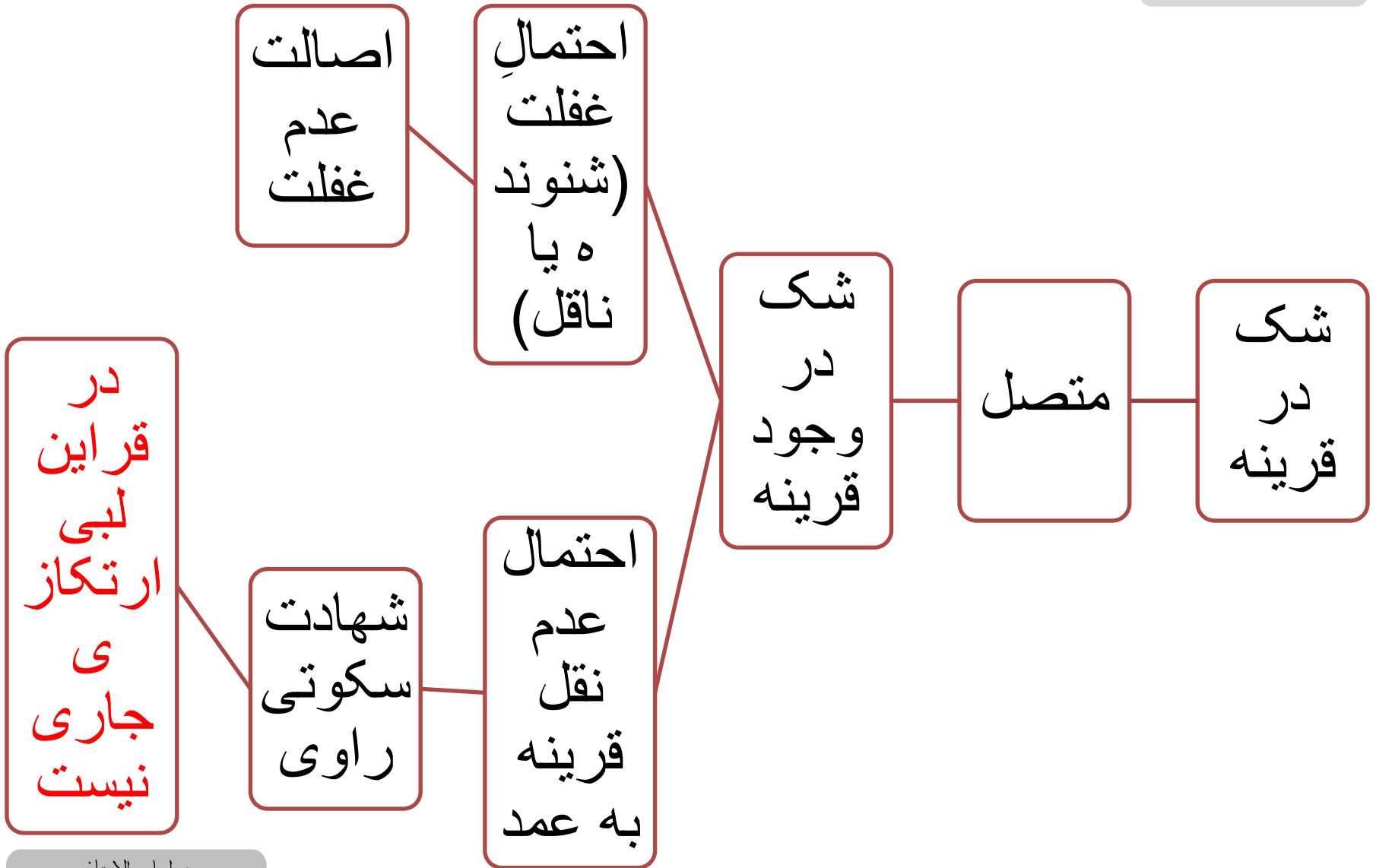


## اصل عدم قرینه

- منشأ دیگر شک در قرینه متصل این است که احتمال می دهیم ناقل به عمد قرینه را نقل نکرده است. این احتمال با اصل عدم غفلت قابل نفی نیست، بلکه با وثاقت راوی منافات دارد؛ زیرا وثاقت وی اقتضاء می کند آنچه را در معنای کلام دخالت دارد، برای ما نقل کند.

## اصل عدم قرینه

- به تعبیر شهید صدر رضوان الله علیه راوی ثقة یک شهادت سکوتی بر عدم وجود قرینه متصل می دهد؛ برای مثال وقتی می گوید «أكرم علما» و چیز دیگری نمی گوید و مثلاً «إلا الفساق منهم» را نمی گوید، این سکوت وی شهادت عملی وی است بر اینکه چنین استثنایی در نزد وی وجود نداشته است.



## اصل عدم قرینه

- این بحث شهید صدر رضوان الله علیه فقط در قرائن لفظی یا لبی غیر ارتکازی قابل تطبیق است؛ اما در قرائن لبی ارتکازی با مشکل مواجه است؛ چون اصولاً راوی نسبت به وجود این نوع قرینه التفاتی ندارد که بخواهد آن را نقل کند تا بعد بگوییم شاید به عمد نقل نکرده است؛ زیرا قرائن لبی ارتکازی در فضای فرهنگی کلام وجود دارند به گونه‌ای که برداشتی از کلام بدون آن قرائن نداریم و در همان حال توجه نداریم که احتمال برداشت بدون لحاظ آن قرائن در یک برهه‌ای به وجود خواهد آمد؛

## اصل عدم قرینه

- مثلاً در فضای اسلامی وقتی کسی می پرسد پنیر حلال است یا نه؟ شما می گوید حلال است و او هرگز برداشت نمی کند که پنیر حلال است حتی اگر دزدی یا متنجس باشد؛ اما نسبت به این وجود این قیود در فضای مکالمه التفات تفصیلی پیدا نمی کند. به همین جهت در چنین مواردی اگر مثلاً امام صادق علیه السلام فرمودند پنیر حلال است، می فهمم منظورشان این نیست که حتی اگر دزدی یا متنجس باشد؛ اما به طور طبیعی در نقل کلام حضرت آن قیود ارتکازی را نمی گویم و اصلاً التفاتی به این قرینه ها ندارم تا بخواهم نقل کنم؛ حتی خود حضرت هم با بر تکیه بر ارتکازی بودن، آن ها را ذکر نکرده است.

## اصل عدم قرینه

- به همین دلیل شهید صدر رضوان الله علیه می فرماید در موارد احتمال وجود قرینه ارتکازی که به منزله قرینه متصل است، اصلی برای نفی آن نداریم برخلاف دیگران که به نحو مطلق در هر قرینه‌ای می گویند اصل عدم قرینه است.

## اصل عدم قرینه

- طبق این بحث شهید صدر رضوان الله علیه نسبت به راویان غیر ثقه نمی توانیم اصل عدم قرینه متصل را جاری کنیم.
- پس در بحث حجیت ظهور، به این می رسیم که اخبار غیر ثقه به لحاظ ظهور می تواند همیشه با تردید مواجه شوند.

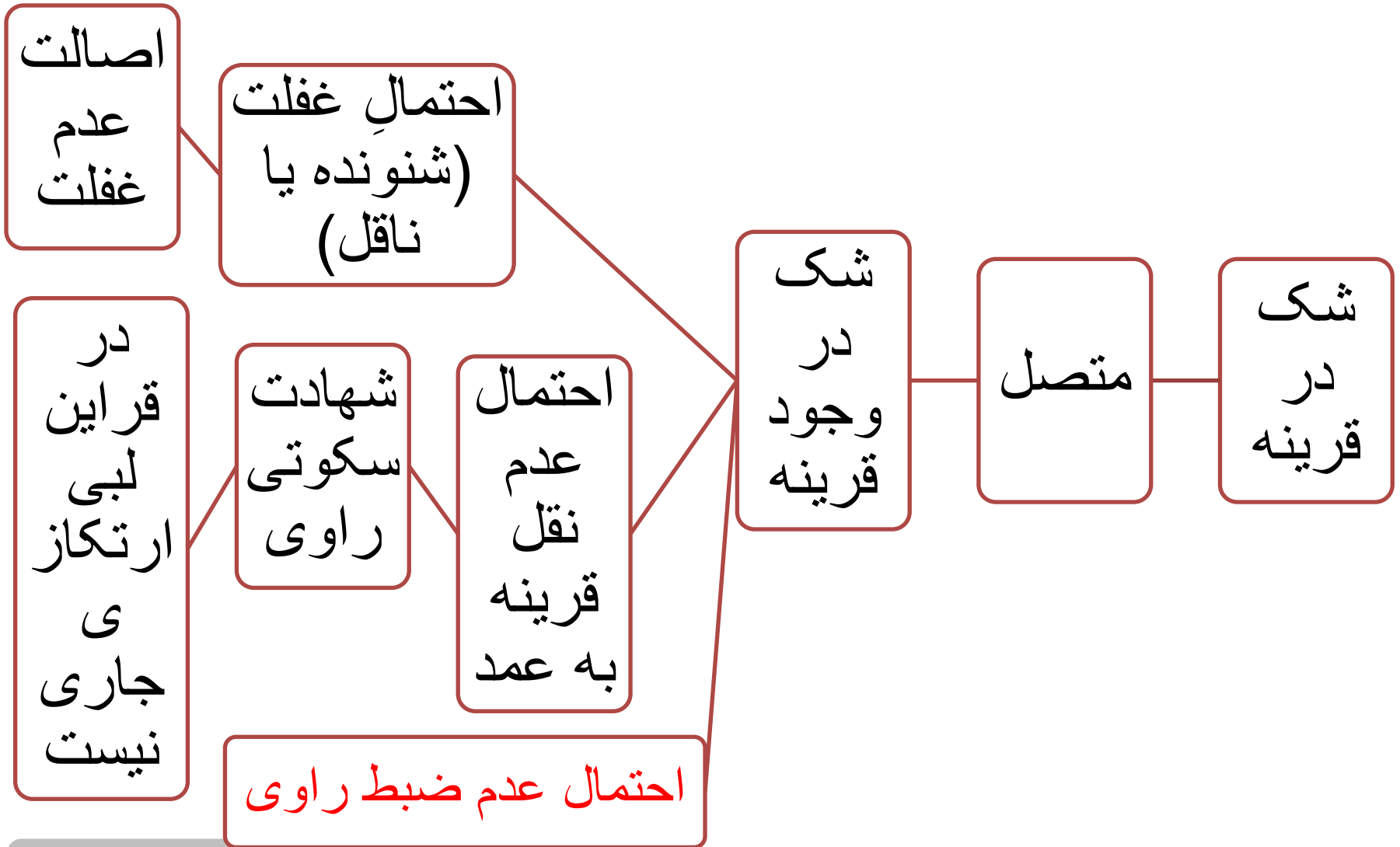


## اصل عدم قرینه

- بعضی می گویند با توجه به تسامح در ادله سنن، برای مستحب و مکروه لازم نیست سند روایت را ارزیابی کرد و با سند ضعیف می شود حکم به کراهت یا استحباب کرد. ما در اخبار «من بلغ» می گوئیم آن اخبار دلالتی بر استحباب ندارند.

## اصل عدم قرینه

- حتی اگر بپذیریم که برای حکم به استحباب و کراهت سند معتبر لازم نیست، همچنان نمی‌توانیم با استفاده از روایات ضعیف استحباب و کراهت را به سادگی ثابت کنیم؛ چون نمی‌توانیم در آنها احتمال قرینه متصل را نفی کنیم؛ زیرا فرض این است که وثاقت راوی در این اخبار محرز نیست.



## اصل عدم قرینه

- گاهی منشأ احتمال قرینه متصل نه غفلت است و نه عمد؛ به خصوص در جایی که واسطه پیدا می شود.

## اصل عدم قرینه

- شهید صدر رضوان الله علیه مثال می زنند به نوشته‌ای که از کسی به دست من رسیده و قسمتی از آن پاره شده و از بین رفته است. وقتی قسمت باقی مانده را می خوانم، احتمال می دهم که در قسمت‌های پاره شده قرائنی بوده باشد که در فهم این قسمت باقی مانده تأثیر می گذاشته است.
- ایشان می گوید با اصل عدم قرینه این احتمال وجود قرینه را نمی توانیم نفی کنیم.

## اصل عدم قرینه

- همچنین فرض کنید واسطه‌ای کلامی را برای ما آورده است و این واسطه، آدم کم حافظه‌ای است یا گوشش سنگین است و خیلی از چیزها را اصلاً درست نمی‌شنود. احتمال می‌دهم که شاید یک تکه از سخن یادش رفته است و یا چیزهایی را نشنیده است و نگفته است. پس احتمال می‌دهم یک قرائنی به کلام بوده متصل و به من نرسیده است.

## اصل عدم قرينه

- شهيد صدر رضوان الله عليه می گوید ما نمی توانیم با أصالة عدم القرينة این احتمالات را نفی کنیم.

## اصل عدم قرینه

- با این پاسخ این مشکل به وجود می آید که روایات همه با واسطه به دست ما رسیده است و ما از معصومین علیهم السلام چیزی نشنیده ایم یا عملی ندیده ایم. هر چه هست نقل افعال و اقوال آنها است.



## اصل عدم قرینه

- بنابراین احتمال می دهیم که این ناقلان چیزهایی را نشنیده باشند و چیزهایی هم از یادشان رفته باشد و نگفته باشند. پس به هیچ یک از این روایات نمی توانیم تمسک کنیم.

## اصل عدم قرینه

- صاحب معالم رضوان الله عليه این بحث را مطرح کرد که آیا در وثاقت ضبط شرط است؛ یعنی آیا کسی که ثقه است حتماً باید بتواند مطالب را حفظ کند. بعضی از قداما گفته‌اند آیا در وثاقت راوی سالم بودن گوش یا حواس هم دخالت دارد یا نه. متأخرین از این بحث غفلت کردند و فقط گفتند شخص در نقل خودش مورد اعتماد باشد.

## اصل عدم قرینه

- با توضیحات پیش گفته دوباره این بحث زنده می شود که اگر این ناقل کسی است که مثلاً گوشش سنگین است، نمی توانیم به نقل های او عمل کنیم؛ چون ممکن است چیزهایی را نشنیده باشد یا اگر حافظه اش خوب نیست و گرفتار فراموشی است، نمی توانیم به نقل های او اعتماد کنیم؛ چون ممکن است بخشی از قرائن را از یاد برده باشد.

## اصل عدم قرينه

- پس ما به نقلی می‌توانیم اعتماد کنیم، که شخص ناقل به لحاظ حواس و حافظه سالم و در حد متعارف باشد. حال اگر احتمال دهیم همین شخصی متعارف و سالم است، در موردی حواسش پرت شده یا کلمه‌ای را نشنیده باشد، این احتمال را با أصالة عدم الغفلة نفی می‌کنیم.

## اصل عدم قرینه

- نتیجه اینکه در موارد قرینه متصل، أصالة عدم القرينة به حجیت ظهور ربطی ندارد و سخن نائینی رضوان الله علیه در اینجا درست است که تا اصل عدم قرینه جاری نکنیم، نوبت به بحث ظهور نمی‌رسد.
- بنابراین تمسک به یک سخن در حالی که معلوم نیست قرینه متصل دارد یا ندارد، تمسک به کلام در شبهه مصداقیه می‌شود؛ چون معلوم نیست این سخن ظهور در مورد مشکوک دارد یا ندارد تا عموم حجیت ظهور آن را شامل شود.

## اصل عدم قرینه

- یکی از وسواس در ناحیه تکلم است که یکی از دوستان به آن مبتلا شده بود. ایشان می گفت این قدر از این مباداها و شایدها و احتمالات در ذهن من می آمد که من یک سال لال شدم و با هیچ کسی حرف نمی زدم. در حالی که می توانستم حرف بزنم و هیچ مشکلی در زبانم نبود.

## اصل عدم قرینه

• بحوث فی علم الأصول، ج ۴، ص ۲۶۹ - ۲۷۰.

• مثال قرینه لبی غیر ارتکازی موردی است که حضرت به او گفته است غسل کن و نماز بخوان. هم راوی و هم حضرت می دانستند الان که حضرت این را می گوید قبل از ظهر روز جمعه است و این کلام ناظر به غسل در روز جمعه است. به همین جهت حضرت قید جمعه را ذکر نکردند. حال اگر روای کلام امام علیه السلام را بدون ذکر قید جمعه نقل کند، دیگران می فهمند که باید برای هر نمازی غسل کنند یا مستحب است برای هر نمازی غسل کند. اینجا گرچه قرینه، لبی است؛ اما چون ارتکازی نیست و فقط بین حضرت و او معلوم بوده است، این فرد باید آن قرینه (قید جمعه) را نقل کند و اگر نکرد با وثاقت او ناسازگار خواهد بود.

• همان، ص ۲۷۰.

## اصل عدم قرینه

- البته شهید صدر رضوان الله علیه این نکته اخیر را به صراحت نگفته‌اند و این از لوازم کلام شهید صدر رضوان الله علیه است.
- این مثال در حاشیه تقریرات آقای حائری حفظه الله است. (الصدر، السید محمدباقر، مباحث الأصول، حائری، السید کاظم، ج ۲، ص ۱۶۹) و در تقریرات آقای هاشمی حفظه الله نیست.
- این بحثی که شهید صدر رضوان الله علیه تا اینجا بیان می‌کند، قدمی مطرح می‌کردند. بعد متأخرین از این بحث غفلت کردند و ایشان دوباره آن را احیا می‌کند.
- فرق نمی‌کند که سلامت حواس و حافظه جزء مفهوم وثاقت باشند یا خارج از آن. به هر حال این‌ها شرط پذیرش دلالت هستند؛ چون تا وقتی که این شرایط را احراز نکرده‌ایم، نمی‌توانیم عدم قرینه متصل را احراز کنیم.
- این توضیحی که گفتیم در کلام شهید صدر رضوان الله علیه نیست و لازمه کلام او است.